



چرا سفارش کرده اند هر روز زیارت عاشورا بخوانید؟

آیت الله جوادی آملی می نویسد: سرّ این که سفارش کرده اند هر روز زیارت عاشورا بخوانید و نسبت به اهل بیت تولی داشته و از دشمنانشان تبری بجوئید، برای آن است که طرز فکر معاندان ایشان منفور شود.

آیت الله جوادی آملی می نویسد: سرّ این که سفارش کرده اند هر روز زیارت عاشورا بخوانید و نسبت به اهل بیت تولی داشته و از دشمنانشان تبری بجوئید، برای آن است که طرز فکر معاندان ایشان منفور شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در کتاب «حماسه و عرفان» درباره فلسفه زیارت و عزاداری و علت سفارش به خواندن زیارت عاشورا در هر روز مطلبی را بیان کرده است. متن ذکر شده این مرجع تقلید شیعیان بدین شرح است:

فلسفه زیارت و عزاداری [۱]

سرّ این که سفارش کرده اند هر روز زیارت عاشورا بخوانید و نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) تولی داشته و بر آنان صلوات و درود بفرستید و از دشمنانشان تبری بجوئید، برای آن است که طرز فکر معاندان ایشان منفور شود و گرنه هم اکنون سخن از معاویه و یزید نیست تا آنها را لعنت کنیم. نام و یاد آنها رخت بر بسته و قبرشان نیز زباله دانی بیش نیست، الآن سخن از فکر و راه یزید و یزیدیان عصر است [۲]. زن فرعون وقتی که به درگاه الهی دعا کرد، نگفت خدایا مرا فقط از فرعون نجات بده بلکه گفت: (ربّ اِنّ لی عُنْدک بیئاً فی الجَنّه وَنَجّتی من فرْعُوْن وَعَمَله وَنَجّتی من القَوْمِ الظّالِمین) [۳] یعنی مرا از فرعون و فرعونیان، که طرفداران ست سیئه و رفتار ناپسند او هستند، نجات بده. تفکّر برای همیشه باقی می ماند هر چند که اسم و عنوانش تغییر پیدا کند.

بعد از تار و مار شدن خوارج در نهروان و خارج شدنشان از صحنه حیات و زندگی، به علی بن ابی طالب (ع) عرض شد: این مقدس های خشک از بین رفتند. فرمود: «کلا والله اِنَّهم تُطَف فی اَصْلاب الرّجال وقرارات النساء کَلّما نَجْم مِنْهم قَرْنٌ قَطْع، حتّی یكون آخرهم لُصوصاً سَلاَیین» [۴]؛ اینها نطفه هایی هستند در پشت مردان و قرارگاه زنان. هرگاه مقداری از اینها از بین بروند، عده ای دیگر ظهور می کنند تا این که سرانجام کار، سارقان مسلح و رهنان غارتگر خواهند شد.

اکنون نیز، هم راه سالار شهیدان زنده است و هم مرام و مسلک اموی و مروانی و عباسی وجود دارد. این که سفارش فراوان به اشک ریختن و عزاداری کردن نموده اند برای آن است که اشک بر شهید اشتیاق به شهادت را به همراه دارد، خوی حماسه را در انسان زنده و طعم شهادت را در جان او گوارا می گرداند. چون اشک رنگ کسی را می گیرد که برای او ریخته می شود و همین رنگ را به صاحب اشک نیز می دهد. از این رو انسان حسینی منش، نه ستم می کند و نه ستم می پذیرد. این که عده ای به فکر ظلم کردن یا ظلم پذیری هستند برای آن است که خوی حسینی در آنها نیست و گرنه شیعه خاص حسین بن علی (ع) نه ظلم می کند و نه ظلم می پذیرد. آن کسی که ظلم پذیر است اموی مسلک است چنان که ظالم هم اموی صفت است، هر چند که زمزمه «یا حسین» بر لب داشته باشد. و در قیامت که هر کسی را به نام زمامدارش صدا می زنند: (یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ اُنّاسٍ بِاِمَامِهِمْ) [۵]، شخص ستمگر در صف امویان شرکت می کند. لذا اگر انسان بخواهد بفهمد که راهی راه حضرت حسین بن علی (ع) است یا راهی راه امویان، باید ببیند که در او خوی ستم پذیری یا سلطه گری وجود دارد یا نه. اگر گرایش به این خصلت های زشت را در خود دید باید در اخلاق خود تجدیدنظر کند.

گریه بر امام حسین (ع) [۶]

براساس نقلی معروف از حضرت سکینه (ع) بالای بدن مطهر امام حسین (ع)، ایشان به این اصل کلی سفارش کردند که هر حادثه تلخی پیش آمد کرد، آن را بهانه کنید و برای من اشک بریزید: «أَوْ سَمِعْتُمْ بَغْرِب أَوْ شَهِید فاندبونی» [۷]؛ «هرگاه داستان غریب یا شهیدی را شنیدید، برای مظلومیت من گریه کنید»؛ زیرا اگر امام حسین (ع) به خلافت می رسید، دیگر غریب یا شهیدی وجود نداشت.

بنابراین، اصل کلی این است که هر حادثه تلخ و ناگواری را باید بهانه کرد و برای سالار شهیدان اشک ریخت؛ نه آن که افراد داغیده برای تسکین عواطف و احساسات خود آن حضرت (ع) را بهانه کنند و برای التیام زخم خویش اشک بریزند و ندبه نمایند و بین این دو گونه عزا داری فرق وافر است؛ زیرا محصول یکی تعزیت برای حضرت امام حسین (ع) است و نتیجه

دیگری تسلیت برای خود؛ هر چند ممکن است بهانه قرار دادن واقعه جان سوز کربلا هم بی‌اثر نباشد.

وجود مبارک سیدالشهداء (ع) فرمودند: «أنا قتيل العبره» [۸]؛ یعنی من که به هدف احیای حق و اِمحای باطل کشته شدم، باید عِبَرَات داشته باشم؛ به طوری که چشمان علاقه مندان به سالار شهیدان پر از اشک شود و آن اشک فراوان از شبکه چشم خارج گردد و به صورت انسان عبور کند تا عِبَرَات بشود.

این ستّ حسنه، آثار فراوانی دارد، از جمله این که محبت اهل بیت (ع) در قلب شیعیان حضور پیدا می کند؛ آنگاه دوست امامان معصوم (ع) هرگز فکر و راه و روش آنان را رها نمی کند؛ زیرا رهبری جوارح به دست جانحه و دل است و زمامداری قلب را محبت به عهده می گیرد و دل دوستان حسین بن علی (ع) جوارح را به صَوْب صراط مستقیم رهنمود می شود.

پا نوشتها؛

[۱] حماسه و عرفان، ص ۳۱۰.

[۲] - می دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه لعنه الله علیهم با آن که آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده اند، فریاد بر ستمگران جهان و زنده نگه داشتن این فریاد ستم شکن است. و لازم است در نوحه ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق (ع) به طور کوبنده فجایع و ستمگری های ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود... (وصیت نامه امام خمینی قدّس سرّ، مقدمه).

[۳] - سوره تحریم، آیه ۱۱.

[۴] - نهج البلاغه، خطبه ۶۰.

[۵] - سوره اسراء، آیه ۷۱.

[۶] . شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۲۳۳

[۷] - مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶.

[۸] - بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۰.